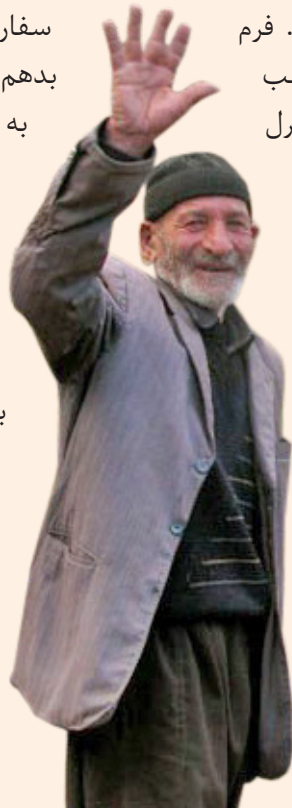


نمی‌شد به زخم ناجور پایش نگاه کرد! زخم وسیع شده و بشدت عفونت کرده بود. بیمار چون دیابتی بود و پایش حس نداشت فکر می‌کرد زخم پایش دارد خوب می‌شود. از پسر خواستم عکس زخم را بگیرد. عکس را برای مسؤول بیماری‌های غیرواگیر شهرستان ارسال کردم و ایشان تأکید کرد که همین فردا باید بیمار به مرکز بهداشت شهرستان بیاید تا به کارشناس مربوطه معرفی و معاینه شود.

وقتی به بیمار گفتم باید فردا بروی مرکز بهداشت اقلید تا دکتر پایت را معاینه کند، گفت من وسیله ندارم و نمی‌توانم بروم. معتقد بود فایده‌ای هم ندارد و پایش دیگر خوب نمی‌شود! به پدرم زنگ زدم گفتم این بنده خدا اصلاً وضعیتش خوب نیست و ممکن است پایش قطع شود. او را فردا با ماشین خودتان به مرکز اقلید ببرید. پدرم قبول کرد.

روز بعد بیمار به همراه پدرم به اقلید رفتند. کارشناس، بیمار را ویزیت کرده و بعد هم عفونت‌ها را برداشته و پا را شست‌وشو داده بود. بعد هم در تماس با من سفارش کرد که زخم را یک بار دیگر شست‌وشو بدهم و روش شست‌وشو و ضدعفونی کردن را به فرزندانش آموزش دهم تا در منزل انجام بدهند.

از آن‌جا که زخم خیلی عمیق بود هیچ کدام از فرزندانش قبول نکردند و گفتند ما نمی‌توانیم این کار انجام بدهیم. بنابراین خودم تا دوماه، یک شب در میان به منزل بیمار می‌رفتم و پایش را شست‌وشو می‌دادم. هر بار هم عکسی از زخم را برای کارشناس مربوط می‌فرستادم. در نهایت و برخلاف تصور بیمار و اطرافیانش، زخم بهبود پیدا کرد و حالا که ۳ سال از ماجرا می‌گذرد هنوز دعاهایی پیرمرد در حقم را فراموش نمی‌کنم.



امید به زندگی

فاطمه شرفی

بهورز پایگاه بهداشتی «دژکرد»
دانشگاه علوم پزشکی شیراز



در یک صبح دل انگیز بهاری، سال ۱۳۹۸ پایگاه بهداشت «دژکرد» فعالیت خود را آغاز کردم. مراجعه کنندگان با لبخند یکی پس از دیگری وارد پایگاه می‌شدند.

ساعت ۱۰ صبح یک بیمار دیابتی که مبتلا به فشارخون هم بود به پایگاه مراجعه کرد. بعد از سلام و احوال‌پرسی از او خواستم که روی صندلی کنار میز ۱۰ دقیقه استراحت کند. بعد از رفع خستگی بیمار، فشارخونش را گرفتم و پرسیدم: عموجان! قرص فشارت را خوردی؟ بیمار پاسخ داد: بله روزی یک قرص می‌خورم. برایش توضیح دادم که با وجود مصرف قرص فشارخون خیلی بالاست

(۱۶۰/۱۲۰) و باید پزشک شما را ویزیت کند. فرم ارجاع برایش پر کرده و یادآوری کردم که امشب حتماً به خانه من بیاید تا فشارخونش را کنترل کنم. چون دیابت داشت باید بین انگشتان دست و پایش را نیز از نظر وجود زخم معاینه می‌کردم اما گفت پایم سوخته و تازه خوب شده و هر کاری کردم جورابش را از پایش در نیاوردم!

ساعت ۸ شب، طبق قرار به خانه‌ام آمد. فشارخونش را گرفتم که عدد ۱۴۰/۸۰ را نشان می‌داد یعنی وضعیت بیمار بهتر از صبح بود. از او خواستم جورابش را در بیاورد تا زخم پایش را ببینم. ابتدا مقاومت کرد اما همسر هم آمد و کمک کرد تا جورابش را در بیاورد. واقعاً